

نافرمانی معرفتی



احمدغلامی

اگر پیش از این، مفهوم «استعمار»، احساسی از نفرت و خشم در مردم برمی‌انگیخت، اکنون دیگر این‌گونه نیست و در مواجهه با استعمار با انفعالی جهانی روبه‌رو هستیم و همچون گذشته انگیزه‌ای علیه استعمار وجود ندارد. شاید حضور نظامی آمریکا در عراق خوشایند برخی جریان‌های سیاسی و مردم نباشد، اما اقدامی جدی برای بیرون‌راندن آمریکایی‌ها که به معنای واقعی عراق را استعمار کرده‌اند، دیده نمی‌شود. استعمار سوبه‌های شیخ و قبیح خود را در اذهان مردم از دست داده است و مردم در سیطره زندگی روزمره و زیستن در اکنون بدون آینده، انگیزه‌ای جدی برای رویارویی با بیگانگان ندارند. این وضعیت درباره ونزوئلا به شکل افراق‌آمیزتری در حال وقوع است و رئیس‌جمهور آمریکا بدون هیچ ملاحظه سیاسی‌ای از حاکمیت ونزوئلا به‌عنوان حاکمیتی تحت سیطره کشورش سخن می‌گوید. اگر نیم‌قرن پیش چنین رویدادهایی در جهان رخ می‌داد، مبارزان ضد استعمار بسیاری برای نجات کشورشان به شیوه‌های مختلف قد علم می‌کردند. البته در این میان شاید گرینلند که برای اروپا حائز اهمیت است، استثنائی بر این قاعده باشد. اما به هر حال این پارادایم جدید قابل تأمل است؛ خاصه اینکه آمریکا و اسرائیل بدون پنهان‌کاری‌های سابق از سیطره بر ایران و منابع سرزمینی‌اش سخن می‌گویند. البته شکفت‌انگیز است که مردم ناراضی از وضعیت موجود همچنان روحیه ضد استعماری خود را حفظ کرده‌اند و در برابر کسانکی که در خارج و داخل مایل به استعمار یا منفعل‌اند، دست بالا را دارند. بر کسی پوشیده نیست که پیش از جنگ ۱۲روزه و جنگ اخیر برخی روشنفکران و نخبگان سیاسی صراحتا می‌گفتند استقلال خوب است، اما به چه قیمتی! نیازی به تأویل و تفسیر این گزاره نیست؛ چراکه محتوای آن عیان است. پریش اساسی این است که چگونه مفهوم «استعمار» معنای زدالت‌بار سابق خود را از دست داده است.

دنیاى این روزهاى ما

پرگار و دَوَران



رامین خسروخاور

در دنیای این روزهای ما، زمانه دیگر بر مداری آرام نمی‌گردد؛ گاه شتاب می‌گیرد و گاه درنگ می‌کند، گاه امید را نزدیک نشان می‌دهد و گاه فاصله‌ها را دورتر، آدمی در میانه این چرخش بی‌قرار، همچون پرگاری است که یک سرش بر نقطه‌ای ثابت مانده و سر دیگرش در دایره وقایع مشغول می‌گردد؛ بی‌آنکه بداند این دوران، او را به کدام سمت خواهد برد. دل نیز آرام نمی‌گردد؛ «دل چو پرگار به هر سو دورانی می‌گردد». و زمانه، هر روز شاععی تازه پیش پای انسان می‌گذارد؛ شاععی از بودن، از امید، از تردید و از ماندن. کسب‌وکار امروز، دیگر بر زمین ثابت بنا نشده است؛ بیشتر به راه‌رفتن بر سطحی لغزان می‌ماند که هر لحظه شکل عوض می‌کند. بازارها پیش از آنکه شناخته شوند، تغییر می‌کنند؛ قیمت‌ها هنوز در ذهن ننشسته، دگرگون می‌شوند؛ و گاه هنوز قراردادی امضا نشده، که هزینه‌ای تازه از راه می‌رسد و همه محاسبات را از نو می‌نویسد. صنعتگران، دیگر تنها با دشواری تولید و رقابت روبه‌رو نیستند؛ فرسودگی ناشی از ایهام نیز بر دوش آنها سنگینی می‌کند. تصمیمی که امروز منطقی به نظر می‌رسد، ممکن است فردا در موجی تازه از تغییر، معنای دیگری پیدا کند. از همین‌رو است که بسیاری، نه از کمی تلاش، بلکه از زیادهای تعلیق خسته‌اند؛ از اینکه آینده، هر روز اندکی صعب‌الوصول می‌شود. در چنین فضای، دوام آوردن خود نوعی مهارت است. آن که می‌ماند، لزوماً نیرومندترین نیست؛ گاه کسی است که بهتر خم‌شدن را آموخته و می‌داند چگونه بدون آنکه بشکند، از میان تلاطم عبور کند. پرگار اگر نقطه اتکا نداشته باشد، دایره‌ای کامل نمی‌آفریند؛ و انسان نیز در هیاهوی این دوران، نیازمند مرکزی برای ایستادن است؛ مرکزی از اعتماد، امید و معنایی که او را پراکندگی حفظ کند. بدون آن، حرکت هست، اما مسیر نیست؛ تلاش هست، اما آرامش نه.

شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵
۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۷
۱۶ می ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۸۶
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: وعده نخست‌وزیر جدید عراق برای انحصار سلاح • به صرف ترمیم در کافه‌های شهر: مریم شیعه‌زاده • واکنش‌های متفاوت به فیلم جدید فرهادی

پایان سفر رئیس‌جمهوری ایالات متحده به چین بدون اعلامیه رسمی

توافقی‌های مبهم در پکن

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



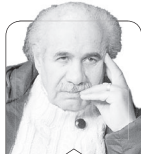
این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.کس، Reuters

گزارش خبرنگار اعزامی «شرق» از نشست وزرای خارجه بریکس و حواشی مواجهه ایران و امارات در دهلی نو

تهران مقابل متحدان جنگ

یادداشت

جنگ و اخلاق جنگ در شاهنامه فردوسی



موسی اکرمی

استاد فلسفه

داوری درباره پهلوانی و جنگ نیاز بد تر ازوی خرد سنجیده شود. از توانایی‌های خرد، توانایی بازشناسی «داد» از «ستم» و راستی از دروغ است. پهلوان بی‌خرد به بیراهه می‌رود؛ چنان که کیکاووس با بی‌خردی، لشکر ایران را به کام دیوان می‌فرستد. در داستان بیزن و منیزه، بیزن با نادیده‌گرفتن هشدارهای رستم، گرفتار تیزنگ افراسیاب می‌شود و جنگی تازه شعله‌ور می‌شود. از نگاه فردوسی، هیچ جنگی بدون پشتوانه خرد، اعتبار اخلاقی ندارد. جنگ داورانه، جنگی است که از روی هوس یا کین نباشد، بلکه با تدبیر خردمندانه و برای راندن ستم آغاز شود.

دوم. گونه‌شناسی جنگ در شاهنامه

فردوسی چند گونه جنگ را هم بازشناسی می‌کند: (الف) جنگ تدافعی و دادخواهانه: آزمندی افراسیاب برای تصرف ایران، نمونه‌ای از تجاوز ناروا را پدید می‌آورد. در برابر این، رستم و کج‌خسرو برای

یادداشت

فروشنده رؤیا، خریدار رؤیا



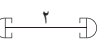
مهرداد احمدی‌شیخانی

در درس شروع شد و هر هفته، همسایگان آن ملک به آشنای ما زنگ می‌زدند که فرزند آن پیرزن، ملک را به محلی برای رفت و آمد معتادان و به‌اصطلاح عامیانه «شیره‌کش‌خانه» تبدیل کرده است و هر چند روز یک بار، نیروی انتظامی می‌آمد و خلاصه در درس پشت در درس برای آشنای ما، رهانشان از شر چنین مستاجری زمان برد و بالاخره آپارتمان پس گرفته شد و آشنای ما برای رهایی از بدنامی ملک و دردرس‌هایش، حتی به قیمتی پایین‌تر از عرف محل، تصمیم به فروش آن گرفت که البته با توجه به وضعیت محل و سر زبان‌ها افتادن اینکه در این آپارتمان کوچک طی این مدت چه گذشته، خریداری پیدا نمی‌شد. آشنای ما هرچه کرد و به هر بنگاه املاک که سپرد، نتیجه‌اش حاصل نشد تا بالاخره یکی از کارکنان همین بنگاه‌ها آمد و گفت «من برایت این ملک را می‌فروشم، به یک شرط، هر چقدر بالاتر از مبلغ فروختم، مال من». آشنای ما هم پذیرفت و قرار شد به بهای آن روز، ملک ۵۰ میلیون تومان بفروشد و آن دلال کار را شروع کرد. آشنای ما می‌گفت یکی دو بار شاهد بود که این واسطه، چگونه در مورد آن آپارتمان با مراجعه‌کنندگان حرف می‌زند و طوری در مدح ملک داد سخن می‌داد که کم مانده بود خودم خریدار ملک خودم بشوم و به هر قیمتی او می‌گوید، ملک را بخرم و نهایتاً آن آپارتمان را با آن سابقه‌های که در ابتدای یادداشت‌گفتم، به ۵۴ میلیون تومان فروخت و آن آشنا مانده بود که چه سحر و جادویی در کلام آن دلال وجود داشت و چگونه خریدار را خام کرد که چنان ملکی را که هیچ خریداری برایش یافت نمی‌شد، توانست به آن قیمت بفروشد؟

ماجراهای این سال‌ها و داستان ترامپ نیز برای من یادآور همان دلالی است که ملک آشنای ما را فروخت. کافی است

مقام معظم رهبری در پیامی به‌مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی تبیین کردند:

لزوم بعثت هنرمندان در امتداد بعثت مردم و روایت خیزش عظیم ملت



برگزیده‌ها

«شرق» از آخرین تحولات عرصه سیاسی و میدانی گزارش می‌دهد

مذاکره با چاشنی تهدید و تردید



نگاهی به گیشه بهاری سینماها

راهکار خروج از بحران چیست؟



آیا تداوم محاصره دریایی تولید نفت ایران را به‌طور کامل متوقف می‌کند؟

ادعای پوچ علیه نفت



نگاه

رمزگشایی از مأموریت «پاستور» برای اینترنت

یادداشتی از محسن محمودی



آینده حقوق ارتباطات و یادی از استاد کاظم معتمدنژاد

یادداشتی از ابراهیم ایوبی



یادداشت

اقتدار و اختیار در هرمز

بازخوانی تحولات جدید با چین و کشورهای منطقه



محمدحسین عمادی

در حالی که دیدار ترامپ و شی جین‌پینگ با محوریت «معامله بزرگ» در حال انجام بود، موضوع بازگشایی محدود هرمز مورد توجه رسانه‌ها قرار داشت، گزارش‌ها از آغاز عبور کشتی‌های چینی از این تنگه تحت پروتکل‌های مدیریت‌شده ایران حکایت می‌کرد. این تحول، از منظر سیاسی و ژئوپلیتیک، حامل پیامی مهم بود: هرمز برای شرکای ایران بسته نیست و تهران از آغاز تنش‌ها نیز سیاست «دست‌رسی گزینشی» را دنبال کرده است. این سیاست در واقع نوعی تلفیق میان بازدارندگی و انعطاف‌پذیری اقتصادی است؛ رویکردی که به ایران اجازه می‌دهد هم اهرم فشار خود را حفظ کند و هم کانال‌های حیاتی تجارت انرژی را نبندد. در سطحی گسترده‌تر، این تحولات هم‌زمان با تغییرات آرام اما معنادار در موازنه قدرت خلیج فارس رخ می‌دهد؛ جایی که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حال بازیگری در الگوهای سنت امنیتی ۵۰ساله خود هستند. آنچه در این میان اهمیت دارد، صرف عبور کشتی‌ها نیست، بلکه سازوکار این عبور است. کشتی‌ها در چارچوب ضوابط و مدیریت ایران از تنگه عبور می‌کنند؛ موضوعی که باینگر تسلان تهران برای تثبیت نوعی «حاکمیت اجزائی» بر هرمز است. به بیان دیگر، ایران نمی‌خواهد صرفاً نقش یک «خلاگر دریایی» را داشته باشد، بلکه می‌کوشد خود را به‌عنوان قدرت تنظیم‌کننده و اداره‌کننده این شاهراه انرژی معرفی کند. این تغییر نقش، اگر تثبیت و فرموله شود، می‌تواند ادبیات امنیت دریایی در منطقه را دگرگون کند. در سال‌های گذشته، روایت غالب در غرب این بوده است که ایران از هرمز به‌عنوان ابزار تهدید دریایی بازار انرژی استفاده می‌کند، اما روندهای اخیر نشان می‌دهد تهران در حال حرکت به سمت نوعی «مدیریت ساختاریافته بحران» است؛ الگویی که در آن، کنترل ایدمه‌در صفحه ۷

ایدمه‌در صفحه ۴

ایدمه‌در صفحه ۷

ایدمه‌در صفحه ۷

ایدمه‌در صفحه ۷